

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

بهرام رحمانی
۰۳ سپتمبر ۲۰۲۱

دهمین جلسه دادگاه حمید نوری در ستکهلم!

امروز پنجشنبه یازدهم شهریور [سنبله] ۱۴۰۰ - دوم سپتمبر ۲۰۲۱، دهمین جلسه دادگاه حمید نوری دادیار سابق زندان گوهردشت برگزار شد.

هنگامی که دادگاه در جریان بود در مقابل سالون دادگاه نیروهای سیاسی تجمع کرده و علیه جمهوری اسلامی شعار می دادند.

باز حمید نوری مانند روزهای گذشته، ادعا کرد که صداهای بیرون دادگاه انیتش می کند به همین دلیل، دادگاه با ده دقیقه تأخیر به کار خود ادامه داد. دادستان از پولیس خواست که به تظاهرکنندگان تذکر دهد تا از بلندگو شعار ندهند. همچنین در ابتدای این جلسه حمید نوری با داد و بیداد و اعتراض به این که من دو سال است در زندان هستم و عینک ندارم، تلاش کرد نظم جلسه را به هم بزند، که قاضی با تذکرات خود نظم را به جلسه بازگرداند و دادگاه روند خود را ادامه داد.

امروز نیز غیر از پسر و داماد نوری همسرش نیز به دادگاه آمد. امروز دخترش نیامده بود. نصرالله مرندي دومین شاهد پرونده حمید نوری است که امروز شهادت داد. وی به ۱۵ سال زندان محکوم شده بود و یکی از جان بدربرندگان کشتارهای زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ است. نصرالله در زندانهای اوین و قزل حصار و گوهردشت زندانی بوده است.

مرندی گفت سه بار در راهرو مرگ بودم. اما فقط یکبار مرا به اتاق هیأت مرگ بردند. مرا روی صندلی نشانده و گفتند چشمبندم را بردارم. هیأت مرگ پنج نفره، یعنی اشراقی، نیری، پورمحمدی، شوشتری و رئیسی را دیدم. آن موقع رئیسی و پورمحمدی را نمی شناختم. اما قبلاً عکس آن سه نفر را در روزنامه ها دیده بودم و می شناختم.

در راهرو بارها صدای نوری را می شنیدم که اسامی زندانیان را می خواند و برای اعدام می بردند. در ادامه دادگاه، نصرالله مرندي از شاکیان پرونده حمید نوری گفت: هنگام دستگیری مورد اصابت گلوله قرار گرفتم و بی هوش شدم. بعد از به هوش آمدن ۴ ماه در اوین تحت شکنجه بودم. یکسال بعد در یک دادگاه ۳ دقیقه ای توسط یک آخوند محاکمه شدم. در اسفند [حوت] ۱۳۶۱ یک پاسدار یک کاغذ به من داد که به ۱۵ سال زندان محکوم شده ام.

نصرالله مرندي در ادامه گفت: در پائيز ۱۳۶۵ به‌گوهردشت منتقل شدم و در بندي که ما بوديم ۱۸۰ تا ۲۰۰ نفر بوديم که اکثر قريب به‌اتفاق آن‌ها اعضا و هواداران سازمان مجاهدين بودند. براي اولين بار حميد نوري را در بهار ۱۳۶۶ در زندان ديدم. او من و چند زنداني ديگر را تهديد کرد.

ناصریان و نوري در بهار ۱۳۶۶، علي طاهر جويان، يکي از زندانيان را تحت فشار و شکنجه قرار دادند تا روابط دروني مجاهدين را لو بدهد. علي براي اين‌که اسرار مجاهدين را حفظ کند خودش را با نفت به‌آتش کشيد، او جلوی ما می‌سوخت و حميد نوري و ناصریان در رساندن او به‌بیمارستان تعلل و تأخير کردند و چند روز بعد به‌شهادت رسيد.

در ادامه دادگاه نصرالله مرندي گفت: من به‌طور کوتاه بگويم که در روز ۸ مرداد [اسد] ۱۳۶۷ اعدام‌ها در گوهردشت آغاز شد. در آن‌زمان ناصریان و حميد عباسی (حميد نوري) و داوود لشکري بودند که زندانيان را آماده می‌کردند تا به نزد هیأت مرگ ببرند. البته پاسدارهای ديگر هم به آن‌ها کمک می‌کردند. تا آن‌جا که من به ياد دارم از هشتم تا دهم مرداد ۱۳۶۷، من در بند ۲ بودم. تعدادی از دوستانم به اتاق هیأت مرگ رفتند و ديگر برنگشتند. براي ما مشخص شد که اعدام شدند.

اسامي سه و چهار نفر را می‌گويم: غلامرضا اسکندري و اصغر مسجدی و مهرداد اردبيلي و حسن بحري و تعدادی ديگر. دهم مرداد لشکري به داخل بند ما آمد و اتاق به اتاق اسامي آن زندانيانی را خواند که حکم ده سال به بالا داشتند. من ۱۵ سال داشتم. سپس گفتند چشم‌بند بزنيم و از اتاق‌ها بيرون بياييم. ۱۲ مرداد حميد عباسی و ناصریان مشخصات مرا پرسيدند. من گفتم هوادار سازمان مجاهدين خلق هستم. پرسيدند آیا عفو می‌خواهيد يا نمی‌خواهيد؟ بعد ما را به سلول‌های مختلف تقسيم کردند. اول مرا به یک سلول انداختند اما ۱۳ مرداد مرا به بند بردند. تقريباً بيش از ۱۵ نفر در آن بند فرعی بودند. ۱۵ مرداد همه ما را به راهرو مرگ بردند. راهرو مرگ طبقه اول زندان گوهردشت بود. تا آن‌جا که می‌توانستم از زير چشم‌بند ببينم نگاه کردم و ديدم دو طرف راهرو پر از زندانيان بود. ناصریان و عباسی و گاهی لشکري زندانيان را با نام و نام پدر صدا می‌کردند. آن‌ها را توی اتفاقی می‌بردند که هیأت مرگ در آن‌جا بود. بعد از چند دقيقه زندانی را از اتاق هیأت مرگ بيرون می‌آوردند و سمت چپ راهرو مرگ می‌نشانديد. انتهای اين راهرو به حسينيّه می‌رسيد. زندانيان را در آن‌جا اعدام می‌کردند. تمام آن روز من در راهرو مرگ بودم و حميد عباسی را از صبح تا شب در راهرو مرگ ديدم. تقريباً قبل از ظهر حدود ساعت ۱۱ بود ناصریان مرا صدا زد: «نصرالله فرزند خليل»، مرا بردند اتاق هیأت مرگ. مرا روی صندلی نشانديد و گفتند چشم‌بندم را بردارم. ۵ نفر آن‌جا نشسته بودند. ناصریان پشت من ايستاده بود و یک پوشه را جلو هیأت گذاشت. برداشت من اين بود که خلاصه پرونده مرا به هیأت مرگ داد. آن‌ها چند سؤال کوتاه از من کردند. سپس ناصریان مرا بيرون آورد و در سمت چپ راهرو نشانديد. همان راهروی که به حسنيه ختم می‌شد. در آن روز ۵ نفر از دوستان من را که هوادار مجاهدين خلق بودند و من با بعضی‌ها از آن‌ها حدود ۵ سال هم‌بند بودم بردند و اعدام کردند.

بعد از ظهر ۱۵ مرداد، حميد عباسی با دو سه پاسدار به بند ما آمد و ليست اسامي زندانيان را خواند. آن‌هایی که من می‌شناختم ۵ نفر جزو اين ليست بود. طاهر حقيقت‌طلب، سيدقاسم سيفان، علي همردی، حسين قزوینی و... فکر می‌کنم ۵ يا ۶ نفر ديگر هم اضافه کردند و به دستور عباسی به انتهای سالن برده شدند. آن‌ها هيچ‌وقت برنگشتند. من مطمئنم که آن‌ها اعدام شدند. تا شب همين ليست اسامي چندين بار خوانده شد. نمی‌دانم چند سری ۱۰ يا ۱۲ نفره را به اعدام بردند. شب مرا با تعدادی از زندانيان به يکي از سلول‌های طبقه دوم بردند. اگر اشتباه نکنم مجدداً ۲۲ مرداد مرا صدا زدند. چشم‌بندم زد و بيرون آمدم. تعدادی زندانی ديگر هم بودند. ما را بردند کريدور مرگ. در اين روز مرا صدا نکردند دليلش را نمی‌دانم اما تا شب آن‌جا نشستيم. در آن روز دو نفر را می‌شناختم در آن کريدور ديدم.

در این‌جا دادستان از نصرالله پرسید: شما از روی کاغذ می‌خوانید؟ نصرالله جواب داد: نه خیر من به چشم دادستان نگاه می‌کنم. آن روز تعدادی اعدام شدند. حسین یکی از زندانیان مجاهد بود که از پیش هیأت مرگ برگشته بود از وی پرسیدم چه گفתי در دادگاه؟ جواب داد: گفتم اتهام من هواداری از مجاهدین خلق است. حسین دانشجوی دانشگاه پلی‌تکنیک تهران بود. فرد شجاعی بود. بار سوم ۲۵ مرداد باز هم مرا به راهرو مرگ بردند. همچنان منتظر بودم دوباره مرا پیش هیأت مرگ ببرند. قبل از ۲۵ مرداد من در سلول ۱۳ سالون ۳. آن روز همراه من غلامرضا کیاجوری و سعید غفارنژاد و کریم و مرتضی را به کریدور مرگ بردند. غلامرضا را به اتاق هیأت مرگ بردند. غلامرضا در ۲۵ مرداد اعدام شد. قادر را هم به هیأت مرگ بردند و آن روز اعدام شد. نعمت قینری آن روز اعدام شد. نمی‌دانم چه تعداد دیگری را برای اعدام بردند. ولی ۲۵ مرداد سالون خیلی خلوت بود چون که خیلی‌ها را قبلاً اعدام کرده بودند. آن روز هم حمید نوری و ناصرین را در کریدور مرگ دیدم. بعد از ظهر هیأت مرگ از گوهردشت رفتند. دلایل را بعداً فهمیدم. تقریباً اعدام در آن روز متوقف شد. این مشاهدات من از سه روز از وقایع زندان و هیأت مرگ بود. آخر جلسه امروز دادستان سؤالاتی از مرندي کرد. از جمله پرسید: شما مطمئن هستید حمید نوری همین شخص است؟ مرندي: بلی صددرصد.

دادستان: ما این‌جا اسم اتاق گاز را شنیدیم. آیا شما در آن اتاق بودید؟

مرندي: بلی یک بار مرا به آن اتاق بردند.

دادستان: چه زمانی؟

مرندي: پائیز ۱۳۶۶

یک روز ما را از بند بیرون آوردند و شاید بیش از ۱۵ پاسدار ما را زدند. حمید نوری هم حضور داشت. بعد ما را به اتاقی انداختند. این اتاق هیچ پنجره و روزنه‌ای به بیرون نداشت و در را بستند. بعد از مدتی همه ما به‌دلیل کمبود اکسیجن به زمین افتادیم. آن اتاق در گوهردشت به اتاق گاز معروف شد. دادستان: شما در مورد حمزه صحبت کردید و گفتید در اوین اعدام شد.

مرندي: چون در خرداد [جوزا] ۶۷ او را از ما جدا کردند و به اوین بردند. به‌همین دلیل فکر می‌کنم او را در اوین اعدام کردند.

دادستان: شما مطمئن هستید او اعدام شد؟

مرندي: بلی شنیدم در اوین اعدام شد.

دادستان: در لیست ۳ نام عادل طالبی قرار دارد او را می‌شناسید؟

مرندي: یاد نمی‌آید.

آیا شما بعدها نوری را دیدید؟

مرندي: بلی دوبار در ساختمان دادگستری تهران که ما باید درباره کارهایمان به آن‌جا مراجعه می‌کردیم دیدم.

دادستان: چه زمانی او را دیدید؟

مرندي: اگر اشتباه نکنم سال‌های ۱۳۷۳ و یا ۱۳۷۴ بود.

همزمان با ادامه دادگاه نوری در ستکهم جمهوری اسلامی ایران نیز محاکمه دو سویدنی را به اتهام قاچاق مواد مخدر در دادگاه انقلاب به نمایش گذاشته است.



خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران، چهارشنبه ۱ سپتمبر ۲۰۲۱، اسامی این شهروندان را «استفان کوین گیلبرت» و «سیمون کاسپر براون» اعلام کرده و نوشته که جلسه محاکمه این افراد در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی «ابوالقاسم صلواتی» برگزار شده است.

در کیفرخواستی که در رسانه‌های ایران منتشر شده، استفان کوین گیلبرت متهم به حمل ۹ کیلو و ۸۰۰ گرم شیره تریاک و سیمون کاسپر براون متهم به حمل ۲۱ هزار قرص «ترامادول» است.

ادعا شده است که این افراد در بهمن ماه [دلو] سال ۱۳۹۸، در جریان انهدام یک باند بین‌المللی قاچاق مواد مخدر بازداشت شده‌اند.

خبر محاکمه این دو شهروند سویدنی در حالی اعلام می‌شود که جلسات محاکمه «حمید نوری»، دادیار سابق دستگاه قضائی جمهوری اسلامی در کشور سویدن در جریان است.

جمهوری اسلامی ایران پیش از این بارها از شهروندان غربی به‌عنوان گروگان و به‌عنوان ابزاری برای آزادی عناصر دستگیر شده خود در کشورهای دیگر استفاده کرده است.

در یکی از آخرین موارد، «کایلی مور گیلبرت»، پژوهشگر استرالیائی بریتانیائی که در ایران زندانی بود، با چند بمبگذار جمهوری اسلامی زندانی در تایلند مبادله شد.

ادامه دادگاه نوری فردا جمعه سوم سپتمبر ۲۰۲۱ برگزار خواهد شد.